



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۸/۰۶



رنگریز

## از دختر زیبا و رعنايي که به صورت اش تيزاب پاش دادند

و نابينا شد،

چه می خواهیم؟

او دختر زیبایی بود که بر صورتش تیزاب پاشیده شد، حکومت و قضات کثیف بر اساس قوانین غیر انسانی اش مجرم را محکوم به قصاص یعنی کور شدن کرده است، بار دیگر فاجعه ای در شرف رخ دادن است، و همزمان فرصتی طلایی برای پیشرفت به سوی مدنیت بیشتر برای ما افغان ها پدید آمده است، من هم میخواهم از این فرصت طلایی استفاده ای کنم، برای همین نامه زیر را خطاب به آن دختر زیبا و عزیز مینویسم، امیدوارم به دستش برسد و به آن خوب فکر کند و پاسخ بدهد .

... عزیز!

من کوشش میکنم واقع بینانه و منطقی به همه چیز نگاه کنم، فکر نمیکنم هیچکس واقعاً بتواند احساس تو را و دردی که تو کشیده و میکشی را درک کند به همین جهت بیهوده با تو ابراز همدردی نمیکنم، چون تصور اینکه روزی کسی روی صورت من تیزاب بپاشد و من چشمانم را از دست بدهم و دردی که حاصل میشود را نمیتوانم بکشم . هرکس هم که به تو میگوید درد تو را میفهمد و باتو همدرد است، واقعیت را نمیگوید، ولی به تو میگویم از آنچه بر تو رفته است بسیار اندوهگینم و کاش میشد که چنین نمیشد، ولی شوربختانه تاریخ را نمیتوان به عقب برد، بنابر این گپ را به همین یک پاراگراف کوتاه میکنم و میروم سر اصل مطلب.

موضوعی که مطرح است این است که آن مجرمی که چنین بلایی به سر تو آورد اکنون محکوم به قصاص است و تنها تو هستی که میتوانی روی سرنوشت او تاثیر بگذاری .

نظام عدلی و قضائی که بر کشور ما حاکم است تنها نظام قضائی جهان است که از روی قوانین دوره شتر چرانی عربستان در 1400 سال پیش رفتار میکند و در هیچ منطقه متمدنی در این دنیا ممکن نبود که حکومتی به تو حق بدهد که چنین کاری بکند، یعنی عمداً و از طریق قانونی و در کمال آرامش یک انسان را کور کنی، و تو گفته ای که چنین خواهی کرد .

به عبارت دیگر تو اعلام کرده ای که به این قوانین وحشیانه و بیابانی پایبندی! آن مجرم از دیدگاه هر آدمی یک گناهکار و خطاکار است و همه ما باید تلاش کنیم که چنین حادثه تلخی دیگر روی ندهد و دیگر بلایی که بر سر تو آمد بر سر کس دیگری نیاید؛ این هدف ارزشمند و والایی است! و من از «سی ان ان» شنیدم که تو هم گفته ای هدف از قصاص همین است و اگر آن مجرم قصاص نشود و دختر دیگری همین بلا سرش بیاید تو هرگز خود را نخواهی بخشید .

... عزیز!

چه کسی به تو گفته است اگر این مجرم را کور کنی دیگر کسی بر چهره کسی تیزاب نخواهد پاشید ؟

## ... عزیز!

رفتار آدمی خیلی پیچیده تر از این حرفها است که بتوان با چنین اعمالی آنها را تحت تاثیر قرار داد . هیچ روانشناس و جامعه شناس برجسته ای نخواهد گفت که با چشم کور کردن میتوان جلوی تیزاب پاشی را بطور کامل گرفت، اگر چنین بود مطمئن باش قصاص را همه جای دنیا به قوانینشان اضافه میکردند، آیا تو که رشته تحصیلی ات ادبیات است واقعاً در خود صلاحیت این را میبینی که چنین حکم پیچیده و عجیب غریبی را صادر کنی؟ روی چه حسابی چنین برداشتی کرده ای؟ چرا قوانین و طرز تفکر یک مشت ملای شپشو و انسان ستیز و دایناسور را تایید میکنی؟ فکر میکنی آن کسانی که اکنون در فکر پاشیدن تیزاب بر چهره آدمی هستند نمیدانند که در این کشور قانون قصاص وجود دارد؟

از خودت پرس چرا این فکر جلوی آن مجرمی که به صورت تو تیزاب پاشید را نگرفت؟ مگر نمیدانی این قانون چشم در مقابل چشم سالها و قرنهایست که بین ادیان رواج داشته است، اگر کور کردن یک مجرم میتوانست جلوی چنین فاجعه ای را بگیرد امروز تو باید چشمان خود را میداشتی، ولی نداری! پس همانطور که آن کینه توزی ها و چشم کشیدن ها و دست قطع کردن ها و اعدام و خون ریزی ها نتوانست جلوی قتل و خشونت را بگیرد، تکرار این چشم کشیدن هم نخواهد توانست چنین کاری بکند، پس استدلال درست نیست! نه تنها کور کردن آن مجرم جلوی خشونت را نخواهد گرفت بلکه این خود خشونت را ترویج خواهد کرد و به قول گاندی بزرگ، «چشم در مقابل چشم، همه دنیا را کور خواهد کرد»، پس بیا و کور کردن یک انسان را جدی بگیر و خوب روی آن فکر کن، کوشش کن استدلال درست و معتبری برای کارت بیابی و اگر استدلال درستی نداری چنین کاری نکن!

## ... عزیز!

نه تنها استدلال درست نیست و کور کردن یک انسان جلوی تیزاب پاشی را در آینده نخواهد گرفت، بلکه اساساً کل این تصور که خوب است یک انسان را کور کرد تا دیگر انسانها درس بگیرند خود ناعادلانه و غیر اخلاقیست، انسان به خودی خود دارای کرامت است و ذات آدمی شایسته احترام و ستایش است، یک انسان که دارای کرامت است را کور نمیکند، شلاق نمیزنند، اعدام نمیکند! جامعه ای که در آن شلاق نمیزنند و کور نمیکند و اعدام نمیکند امن تر و بهتر از جامعه اسلامی فعلی ما است، تعداد چنین جرائمی در اروپا و امریکا کمتر از این تعداد در افغانستان و پاکستان و ایران است، این دیدگاه که خوب است یک انسان را وسیله آموزشی برای تربیت دیگران کرد یک دیدگاه بدوی و وحشیانه و اهانت به کرامت انسانی است و تنها نظام قضائی شتر چرانها و قوانین شتریشان است که چنین حقی را به تو میدهد.

اگر به درون خود نگاه کنی و با ما و خودت صادق باشی، اقرار خواهی کرد که تنها دلیل تو برای کور کردن آن مجرم خشم تو است، تو خشمگینی و از سرگذشت خود خشمناکی، به همین سبب است که در محکمه گریه میکنی، اگر هدفت از کور کردن مجرم نجات دادن دختران در آینده بود، این هدف مگر گریه کردن دارد؟ پس تو راست نمیگویی که به دنبال جلوگیری از تیزاب پاشی در آینده هستی، تو به دنبال انتقام و کینه توزی هستی، و ... عزیزم بر خلاف آنچه اکنون به نظرت میرسد، انتقام گرفتن عادلانه نیست، کینه توزی خوب نیست! کور کردن آن مجرم نباید و نمیتواند که به تو آرامش بدهد، اگر به دنبال آرامش و شادی هستی که مانند هر انسان دیگری حقت هم هست باشی، من به تو میگویم که چگونه به آن برسی!

آن مجرم را ببخش و اعلام کن که به دلیل وحشیانه بودن قانون قصاص و غیر انسانی بودنش او را بخشیده ای و امیدواری که قصاص از قوانین کشورت برای همیشه حذف شود.

برای ما که بیرون گود و صحنه نشسته ایم آسان است که به تو بگوئیم چنین کاری بکنی و آن مجرم را که ببخشی که هستی ات را از تو گرفته است ببخشی، ولی برای تو اینکار آسان نیست، برای همین اگر چنین کاری بکنی یک قهرمانی و همه ما به احترامت سر خود را فرود خواهیم آورد .

اما اگر چشمان آن مجرم را از وی بگیری کار خاصی نکرده ای، شجاعت، فضیلت و بزرگی خاصی از خود نشان نداده ای، به جمع هزاران نفر آدمی میببندی که این قانون بیابانی را پذیرفته اند و اجرا کرده اند، بعد از مدتی هم فراموش خواهی شد و در تنهایی خود خواهی پوسید، نه تنها کسی تو را به یاد نخواهد آورد بلکه مورد نفرت و لعنت طرفداران انسانیت و حقوق بشر هم قرار خواهی گرفت چون از چشم ما عمل تو حتی به مراتب بدتر از عمل آن مجرم است، چون آن مجرم تصمیمی ابلهانه از روی حماقت گرفته است، ولی تو علی رغم تمام هشدارها و درخواستهای انسان دوستانه چنین کاری کرده ای.

به دنیا هم این پیام را خواهی فرستاد که مردم افغانستان هنوز به قوانین دوره شتر چرانی علاقه مندند! آنهم قشر تحصیل کرده مردم افغانستان و آنهم یک زن جوان!  
چرا میخواهی خود و مارا به چنین سرنوشتی دچار کنی؟  
مگر گناه تو چیست که اول کور شوی و بعد منفور؟

### ... عزیز!

تو شایسته سرنوشتی بهتر از این هستی .  
بیا و با اینکار لگدی بر استبداد و قوانین شتری اش که در مصیبت وارد شده بر تو بی تقصیر هم نیست بزن، بیا و قهرمان ما باش، بیا بخاطر بزرگواری، انسانیت و اخلاقمرداری در تاریخ ما بدرخش! تاریخ ما پر است از خشونت و انتقام، آدم کشی، چشم کشیدن ، خون ریزی و کینه توزی، تو بیا و سنگ بنای دوره ای نو، پر از دوست داشتن، بزرگواری، انسانگرایی، بخشش، مهر و محبت را بگذار، قهرمان حقوق بشر و پیشرفت و مدنیت در کشور ما شو، ما، پدران و مادران ما، فرزندان ما و فرزندان آنها به چنین قهرمانهایی نیاز دارند که هرچند وقت یکبار ما را از خواب بیدار کنند و سرمشق ما باشند، به ما و مردم ما یاد بده که باید بزرگ بود و در مقابل چنین حقارت و جنایت وحشتناکی، دریایی از انسانیت بود .

ما تو را روی سر خواهیم گذاشت و به تو افتخار خواهیم کرد، تو سمبل مدارا و بخشش خواهی شد .  
کار تو کمتر از ملکه - شهبانو ثریا و شاه امان اله و گاندی خواهد بود .  
تو که چشمانت را از دست دادی، احترام خود را از دست نده، احترام کسب کن و این تو را بیش از کور کردن آن مجرم آرام و شاد خواهد کرد .  
اکنون که این فرصت به تو دست داده و میتوانی فوق العاده و برجسته باشی و مارا هم از این بدبختی نجات دهی، بیا و کاری کارستان کن.

کور کردن آن مجرم تو را هم سطح او بلکه فروتر میکند، تو را بالا نخواهد برد، آرامشی به تو نخواهد داد، این خطابیست که دیگر نخواهی توانست آنرا جبران کنی، و اگر بعداً پشیمان شوی دیگر راه پسی نخواهی داشت .  
باز هم بعنوان یک هم نوع از تو درخواست میکنم با قصاص مخالفت کن و اعلام کن که چون قصاص را غیر انسانی میدانی از آن صرف نظر میکنی و مایلی که این قانون ننگین برای همیشه از صحنه روزگار محو شود و افغانستان هم روزی از قوانین انسانی و منطقی بهره مند گردد، بخشی از سرنوشت و فردای میهن و فرزندان در دستان توست، یا آنرا سیاه تر از آنچه هست خواهی کرد و چراغی دیگر را خاموش خواهی کرد، یا خورشیدی درخشان در تاریکی های ما خواهی بود .

امیدوارم خبر خوب تصمیم انسانیت را در اخبار بخوانم.  
بیا و سردار مبارزه برای حقوق بشر باش و من یک تنه پشت سر تو تا پای جان برای انسانیت خواهم جنگید، حتی اگر تمام دنیا تو و من را تنها بگذارند.

### په درناوی

### با احترام و آرزوی بهروزی.